

تلاش های پنهان و آشکار ارتجاع برای ایجاد گسست در جبهه دوم خرداد

تهران و از مهره های مطرح حکومتی شروع شد با انجام قتل های زنجیره ای شکلی وحشیانه به خود گرفت که بررغم تبعات زیان بار آن برای نیروهای مترقی و توده های میلیونی، مشکلات و چالش های فوق العاده جدی را برای کل حکومت به همراه آورد که هنوز هم ادامه دارد. این چالش ها باعث نشد که کوشش مرتجعان برای مقابله با حرکت های مردمی متوقف گردد. تغییر این شیوه ها که هم توأم با خشونت بود و هم به اصطلاح خود مرتجعان "نرم افزاری"، به تناوب و در شکل و شمایل گوناگون هر از چند گاهی خود را نشان می دهد. رژیم ولایت فقیه ترند حزب سازی را نه از مقطع جنبش دوم خرداد به بعد که قبل از آن هم به مورد اجرا در می آورد.

ادامه در صفحه ۴

"انتخابات ریاست جمهوری ۸۰ نقطه عطفی در ساختار تشکیلاتی و نیز جهت گیری های آتی جناح دولتی خواهد بود. از این پس نگرانی های سران دوم خرداد درونی خواهد بود نه بیرونی و جناح منتقد، آرام و صبور می تواند شاهد شکل گیری، تکثر سازمانی و عقیدتی درون جبهه دوم خرداد باشد. آن زمان صف بندی جدیدی انجام خواهد شد که باران تازه ای را برای جناح منتقد به ارمغان خواهد آورد" (امیر محبیان، رسالت، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۰).

در طول سالیان اخیر، مرتجعان حاکم برای مقابله با جنبش مردمی با توسل به شیوه های گوناگون سعی کرده اند تا شرایط را به نقطه دلخواه خویش بازگردانند. این شیوه ها که در همان اوایل با محاکمه کرباسچی شهردار وقت



شماره ۶۵۳، دوره هشتم
سال نوزدهم، ۱۵ بهمن ماه ۱۳۸۱

نامه افشاگرانه مهندسی سبحانی گوشه یی از فجایعی که بر زندانیان سیاسی کشور می رود در ص ۲

مبارزه در راه صلح را تشدید کنیم!

هم اکنون احزاب کارگری و کمونیستی، اتحادیه های کارگری، نیروهای مدافع صلح و ترقی خواه، در هشتاد کشور جهان، سرگرم تهیه کارزار بزرگ بین المللی بر ضد سیاست نظامی گری و تشنج آفرینی دولت جورج بوش هستند. بنابر اخبار و اطلاعاتی مطبوعاتی نیروهای آزادی خواه قرار بر این است که در روز ۲۵ بهمن ماه (۱۵ فوریه ۲۰۰۳) به گونه یی هم زمان در بیش از هشتاد کشور جهان تظاهرات و گردهمایی های صلح آمیز و در اعتراض به جنگ و لشگرکشی نظامی ایالات متحده برگزار شود. ما اعضاء و هواداران حزب را فرامی خوانیم در این روز در هر کجا که هستند فعالانه در این تظاهرات و گردهمایی ها شرکت کنند و صدای اعتراض خود را به گوش جهانیان برسانند. باید همه تلاش های خود را برای جلوگیری از وقوع یک جنگ دیگر به کار برد که در آن مردم بی گناه عراق اولین قربانیان آن خواهند بود و هم چنین این خطر را با خود به همراه خواهد داشت که سایر کشورهای منطقه را نیز به کام آتش جنگ بکشد. باید از همه امکانات و نیروها در این زمینه نهایت استفاده را کرد.

ابتکار مهم کمونیست های عراقی برای پیشگیری از جنگ
در صفحه ۶

اعلام شمارش معکوس برای جنگ!

جنگ برای نفت: عامل عمده در تصمیم گیری آمریکا در رابطه با هجوم نظامی به عراق دستیابی به اهرم های اصلی کنترل منابع سرشار نفت این کشور و کشورهای همجوار در خلیج فارس است. همکاری پنهان و آشکار رژیم ولایت فقیه با سیاست های جنگ طلبانه آمریکا در منطقه: چلبی، از کارگزاران وزارت امور خارجه آمریکا در رابطه با عراق، در کنفرانس مطبوعاتی یی، در ساختمان مرکزی کنگره ملی عراق، در تهران از اطمینان خود نسبت به حمایت میزبانان ایرانی اش سخن گفت. چلبی برای نمایش هماهنگی رژیم ایران با مواضع کاخ سفید در رابطه با آینده عراق گفت که مخارج ساختمان و پرسنل مقرر کنگره ملی عراق در تهران از سوی دولت آمریکا تامین می شود. . . وی فاش کرد که او و گروه ۱۵ نفره مسئولان کنگره ملی عراق ملاقات و گفتگوهای رسمی با مقام های عالی رتبه در سپاه پاسداران و ارگان های امنیتی کشور داشته اند. چلبی فاش کرد که مقامات ایرانی قول مساعدت برای ورود غیرقانونی نیروهای وابسته به کنگره ملی عراق از طریق ایران را داده اند.

بعدی "جنگ نامحدود" آمریکا برضد بشریت استفاده کرد، به ایران و کره شمالی نیز در بخش های متفاوت این اعلام جنگ اشاره کرد. سخنان بوش که حساب شده و یک روز پس از گزارش دوپهلو و تحریک کننده هانس بلیکس، رئیس هیئت بازرسی سازمان ملل در رابطه با سلاح های کشتار جمعی در عراق، عنوان می شد عملاً به مصاف طلبیدن افکار عمومی جهان بود. او در ذهن کجی یی آشکار به سازمان ملل و افکار عمومی مخالف جنگ گفت که: "مسیر این ملت (آمریکا) موقوف به تصمیم دیگران نیست."

جورج بوش و متحدانش که می دانند افکار عمومی جهان به ضرورت جنگ برضد عراق باور ندارد، در هفته های اخیر سعی کرده اند که با تحریک احساسات مردم کشورهای غربی در رابطه با قربانیان حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر، به یکباره در اختیار داشتن شواهدی مبنی بر ارتباط رژیم صدام با سازمان القاعده و طالبان را مطرح کنند. تونی بلر، نخست وزیر انگلیس، از این هم فراتر رفت و جنگ را ازین نظر ضروری دانست که در صورتی

ادامه در صفحات ۵ و ۶

سخنرانی جورج بوش خطاب به مردم آمریکا، در روز سه شنبه ۸ بهمن ماه، را باید از سوئی تاکیدی مجدد از سوی او بر تصمیم ایالات متحده برای حمله به عراق و از سوی دیگر متوجه توجیه اخلاقی جنگی دانست که اکثریت مردم جهان و از جمله شهروندان آمریکا با آن مخالفند. سخنان بوش توجیه سیاست "جنگ صلیبی" یی بود که رئیس جمهوری آمریکا در دوره پس از حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر به مرکز تجارت جهانی، در مورد آن سخن گفته بود. او در هیئت یک بنیادگرای مسیحی از "آرمان های بزرگ" و "مسئولیت عظیم" ملت آمریکا، که او آن را رهبر جهان می داند، سخن گفت و عدم پیگیری در "جنگ نامحدود" برضد تروریسم را برضد منافع حیاتی ایالات متحده مجاز ندانست. بوش گفت: "امروز، بزرگترین خطرات در جنگ برضد تروریسم، بزرگترین خطر که ایالات متحده و جهان با آن روبه روست، رژیم های یاغی یی هستند که دارای سلاح های هسته یی، شیمیایی و بیولوژیک هستند و یا به دنبال آن می باشند." نکته مهم اینکه بوش همانند یکسال قبل، هنگامی که او برای اولین بار از فرمولبندی "محور شیطانی" برای تعیین اهداف

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

بسته شدن همشهری و مسایل کارگری

هفته گذشته، روزنامه همشهری که اخیراً توزیع سراسری آن محدود به شهر تهران گردیده بود، در پی شکایت علیرضا محبوب، دبیر کل خانه کارگر رژیم به تعطیلی کشانده شد. بنا بر خبرهای منتشر شده در روز دوشنبه در پی توافقاتی که صورت گرفت محبوب با انصراف از ادامه پیگیری شکایتش بر ضد همشهری، قرار شد از روز سه شنبه انتشار این نشریه دوباره از سر گرفته شود. صرف نظر از ادامه انتشار دوباره این روزنامه، موضوع مهمی که در رابطه با این توقیف باید مد نظر قرار گیرد، تفاوت های آن با دیگر موارد مشابه است. موضوع توقیف روزنامه همشهری از آن رو قابل توجه است که این مهم در ارتباط با مسایل کارگران میهنمان صورت گرفت. محبوب در باره شکایت خویش اظهار داشت: "روزنامه همشهری عملاً ارگان يك حزب شده است در حالی که با اموال عمومی منتشر می شود و حق ندارد که ارگان يك حزب یا ارگان مخالفین حزب دیگر شود." (رسالت، ۳ بهمن) وی در ادامه در باره انعکاس خبرهای کارگری در این روزنامه گفت: "روزنامه همشهری راه يك طرفه را در پیش گرفته است و مطالبی را که در این مدت در باره قانون کار نوشت و به راه پیمایی ۲۵ تیر کارگران حمله کرد و از جملات موهن استفاده نمود و حتی به تشکیلات خانه کارگر هجوم برد که عنوان خانه کارگر جعلی است، مورد اعتراض واقع شد و این در حالی است که ما عنوان ثبتی داریم به عنوان خانه کارگر، نه با پیشوند نه با پسوند، کار قانونی می کنیم و نیاز به توضیح ندارد." محبوب در ادامه توضیحاتی دیگر را ارائه داده که بیانگر درگیری های شخصی وی با روزنامه همشهری است و ارتباطی با مقولات جنبش کارگری میهنمان ندارد.

اما در همین ارتباط سخنان حسن صادقی، رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار، جالب و خواندنی است. وی در قسمتی از سخنان خویش به نقش مطبوعات در رابطه با وضعیت کارگران اشاره کرد و گفت: "جامعه کارگری ما دچار بایکوت خبری است و نشریات در خصوص پوشش اخبار جامعه کارگری بسیار ضعیف عمل می کنند، در حالی که جامعه کارگری ریشه دار است و همه اعضای آن را کارگران تشکیل می دهند." (همبستگی، ۶ بهمن) وی در رابطه با مسأله توقیف روزنامه همشهری، با این نظر که، "کسانی که در روزنامه همشهری فعالیت می کنند، دارای گرایشات مثبتی در خصوص جامعه کارگری هستند"، به نقش وزارت کار اشاره می کند و می گوید: "عملکرد وزارت کار در قبال تشکلات کارگری، تقابلی است نه تعاملی و برای رسیدن به تعامل واقعی نهایت حسن نیت را داشته ام." صادقی در ادامه با انتقاد از سیاست های وزارت کار، در مورد روزنامه همشهری می گوید: "همشهری، تجمع بزرگ کارگران در روز ۲۵ تیر گذشته را به تظاهرات کارگران بر ضد آئندة در شیلی تشبیه کرده بود و این حرکت را پاسخ داد و روزنامه همشهری از چاپ پاسخ ها استنکاف کرد." وی در جایی دیگر با تشریح وضعیت وخیم کارگران از جمله ناامنی شغلی، تعطیلی کارخانجات و عدم دریافت حقوق به مدت های طولانی، در انتقاد به مطبوعات موجود کشور، گفت: "کوان و جدان های بیدار مطبوعاتی که اوضاع کارگران را گزارش کند و اخبار آنها را درج کند".

چیزی که در این میان مشخص است این است که ارگان های دولتی مزبور درگیر مسأله بی شده اند که هم ارتباط با جنبش کنونی دارد و هم در ارتباط با منافع کارگران و زحمتکشان میهنمان می باشد. به نظر می رسد اختلافات جناحی که عمدتاً بر سر شیوه مهار حرکت ها و اعتراضات کارگری استوار است به چنان مرحله ای رسیده که هر دو طرف را مجبور کرده به مواردی اشاره کنند که اتفاقاً یا به وسیله همین جریان ها به مورد اجرا درآمده و یا به وسیله آنها در مواردی که در جهت منافع کارگران در جریان بوده با مخالفت و یا کارشکنی رو به روشده

نامه افشاگرانه مهندس سحابی، گوشه یی از فجایعی که بر زندانیان سیاسی میهن ما می رود

هفته گذشته نامه افشاگرانه مهندس عزت الله سحابی بازتاب گسترده ای در محافل سیاسی کشور به همراه داشت. نامه افشاگرانه و وقایعی که بر سر عزت الله سحابی و قطعاً دیگر زندانیان سیاسی در داخل زندان های رژیم ولایت فقیه رفته و می رود، سند غیر قابل انکاری است که رژیم ولایت فقیه را با چالشی جدی مواجه می سازد. این نامه در مقطعی انتشار یافته که مرتجعان حاکم در صدد بوده و هستند که با محاکمه عبدی، گرانپایه و قاضیان در جریان پرونده موسوم به نظر سنجی و ارتباط دادن آن با دیگر شخصیت های سیاسی در نهایت به سرکوب و دستگیری فعالان سیاسی اقدام کنند. نامه افشاگرانه مهندس سحابی بار دیگر نشانگر این واقعیت انکار ناپذیر است که اعتراضات ساختگی که گاه در غالب شوهای تلویزیونی و با محاکمات فرمایشی و یا مصاحبه های برنامه ریزی شده به مورد اجرا در می آید فاقد هرگونه مشروعیت است و کاملاً محرز گردیده که موارد مذکور تنها در اثر شکنجه های روحی و جسمی افراد زندانی به دست آمده است. در نامه افشاگرانه مهندس سحابی از جمله آمده است: "آخرین بار در آذر ماه ۱۳۷۹ بازداشت و پس از يك هفته اقامت در زندان عمومی اوین به زندان انفرادی زیرزمین اوین، در بندی که مخصوص آدم کشان روانی بسیار خطرناک بود، منتقل شدم و پس از سه هفته اقامت در شرایط بسیار سخت و خشن آنجا به بازداشتگاه شماره ۵۹ که خود آقایان بازجویان آن را تاریکخانه اشباح می نامیدند انتقال یافتم. در تمام این مدت، به جز يك هفته اول زندان عمومی، تحت بازجویی مستمر که به کرات از بعد از ظهر تا صبح روز بعد ادامه می یافت، قرار گرفتم، با قاطعیت تمام عرض می کنم که این بازداشت و رفتارهایی که با من شد نسبت به دفعات قبلی بازداشت من حادثه جدید و غیر قابل تصویری بود. مهندس سحابی با اشاره به بازداشت های قبلی خویش در قبل و بعد از انقلاب، در باره بازداشت آخرین می گوید: "آنچه در این مرتبه بر من گذشت از نظر کیفیت رفتار، و اتهامات غیر قابل تصور و اهانت ها و شکردهای روان گردانه هرگز با آن دفعات قابل قیاس نبود. نتیجه آن شد که نه فقط در این مدت، دویار دچار بحران قلبی و شوک های عصبی شدم که کار به سی سی یو و... کشید. مغز و اعصاب من به کلی کارکرد و حالت طبیعی خود را از دست داد، به طوریکه پس از آزادی تاکنون نزدیک به یکسال است تحت درمان عصبی و بیماری افسردگی هستم." وی در ادامه به تشریح روند محاکمه خویش و در نهایت آزادی با وثیقه ۲۰۰ میلیون تومانی اشاره می کند و در تشریح وضعیت آزادی پس از زندان، می نویسد: "از تاریخ آزادی از زندان همان تیم بازجویی با مراجعات مکرر به محل کار من یا احضار من به مکان های مختلف، غیر از دادگاه شعبه ۲۶ تلاش کردند که همچنان فعالیت فکری-اجتماعی و مذهبی و سیاسی و حتی خانوادگی مرا تحت کنترل قرار دهند و با شگردهای خاص و تهدید و تطمیع، مرا تحت شرایط روحی و عصبی که در زندان انفرادی ۱۵ ماهه به آن دچار بودم درگیر سازند. مهندس سحابی در تشریح احضار های خویش به يك مجتمع قضایی و اینکه این احضارها بدون نام و شماره شعبه صورت گرفته و پس از حضور در آن شاهد حضور همان تیم بازجویی بوده است در باره ربط آن با پرونده نظرسنجی می گوید: "با همان شگردها و طلب کاری های گذشته و ایجاد اضطراب و فشارهای عصبی و روحی و تهدید به تشکیل پرونده جدید قضایی بر حسب اقرار آقایان عبدی و گرانپایه، علیه من و با ادعای اینکه پای من هم در پرونده موسسه آینده و موسسه ملی نظرسنجی در میان هست، از من خواستند که تا چند هفته، هفته ای يك روز معین، شخصاً و بدون وکیل، در همان محل حاضر شوم تا تحقیقات مزبور انجام شود و پس از آن، در موقع تفهیم اتهام می توانم با وکیل حضور به هم رسانم." مهندس سحابی ضمن رد هرگونه ارتباط خویش با موسسه نظرسنجی و اعتراض به این اقدامات خودسرانه و غیرقانونی و اینکه وی از حضور در جلسات بازجویی فوق خودداری خواهد کرد خطاب به سران رژیم ولایت فقیه نوشته است: "اکنون اینجانب چاره ای ندارم جز اینکه به شما آقایان محترم که مسئولین اصلی تصمیم گیری نسبت به همه امور کشور و دولت می باشید مراجعه و شکایت بیاورم که به خاطر مسئولیت های قانونی و شرعی خودتان، دستور فرمایید که از این فشارها و تعقیب های غیرقانونی بنده را رها سازند. بنده آماده رفتن به زندان به هر کجا و هر مدت می باشم و لیکن چون قطع دارم که در زندان هم آقایان دست از سر من بر نمی دارند طالب مرگ و اعدام می باشم. بنابراین خواهش من این است که اگر مرا فردی مضرب به حال کشور و ملت اسلام و انقلاب می دانید، با اعدام من خود و کشور را از شر بنده رها کنید."

عقب نشینی مرتجعان حاکم زیر فشار افکار عمومی و مبارزه توده ها

طریق مذاکره و چانه زنی در بالا به اصطلاح روند اصلاحات را به پیش ببرد، چنین سیاستی، موجب عقب نشینی های بسیاری در مقابل مرتجعان حاکم گردید. اظهارات اخیر آیت الله منتظری در مصاحبه با بی بی سی و اظهارات قبلی وی عقب نشینی آشکار مرتجعان اثبات این واقعیت بود که راه مقابله با اقدامات ضد مردمی در محاشات و چانه زنی که در ایستادگی و پافشاری بر خواسته های جنبش مردمی استوار می باشد. آزادی آیت الله منتظری حاصل چنین سیاست هایی بوده که اتکای آن به توده های میلیونی بوده است. این گام مهم و تحول سیاسی جدید در میهن به طور حتم و یقین عکس العمل های ضد مردمی رژیم و ولایت فقیه را در بر خواهد داشت اما آن چیزی که این گونه اقدامات را خشتی می سازد همگام بودن با توده ها و مقابله جدی با اقدامات آتی می باشد.

ادامه بسته شدن همشهری و ...

است. قبل از وارد شدن به بحث اصلی، این سوال از صادقی و محبوب و همفکران آنها در ارگان های کارگری باید بشود که اگر آنها واقعا در جهت حمایت از حقوق کارگران سخن بر زبان می آورند، عامل بدبختی و بیچارگی کارگران میهن را چه کس یا کسانی می دانند؟ مگر نه آنست که اجرای سیاست های اقتصادی کنونی مورد حمایت تمامی ارگان های دولتی از جمله دولت، شورای نگهبان، مجلس و مجمع تشخیص مصلحت و قاعدتا ولی فقیه می باشد؟ اگر چنین امری محرز است، دفاع محبوب و صادقی از چنین ارگان های ضد کارگری به چه معنا است؟ چرا اکنون که اختلافات جناحی بالا گرفته است زیر شعارهای کارگر پسند، قرار است فقط جناحی از حکومت زیر ضربه برود بدون اینکه روشنگری ریشه ای در مورد کل سیاست های اقتصادی نزد کارگران صورت بگیرد. محبوب و صادقی و دیگر همفکرانشان بارها و بارها در سخنرانی ها و اظهاراتی که انجام داده اند مشکلات ریشه ای کارگران و دیگر زحمتکشان را ناشی از سوء مدیریت ها دانسته و قصد دارند از این رهگذر رژیم و سیاست های ضد کارگری آن را موزیانه از زیر ضربه خارج سازند.

سواى این مسایل، نکته مهم و اساسی که در درگیری های اخیر باید بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد، تحقق ادعاهایی است که دو طرف مدعی آن هستند. محبوب ادعا می کند روزنامه همشهری ارگان يك حزب بخصوص است و معنی آن این است که صدای کارگران در این روزنامه و حزب مورد توجه قرار نمی گیرد و صادقی هم مدعی است که اخبار مربوط به کارگران توسط مطبوعات مجاز بایکوت شده و خواستار بیداری وجدان ها گردیده است.

این اتفاقا همان نکته ای است که فعالان جنبش کارگری و نیروهای مترقی در طول سالیان اخیر بر روی آن انگشت گذاشته و در این مورد با محبوب و صادقی هم عقیده اتد. نیروهای مترقی مدافع حقوق کارگران بارها و بارها بر این مسأله پافشاری کرده اند که جناح های حکومتی بر سر اجرای سیاست های اقتصادی و ضد کارگری هیچگونه اختلافی نداشته و برنامه ضد کارگری آنها مشترک می باشد. کارگران به دلیل همین فشارها در طول سالیان اخیر محتمل فشارهای زیادی گردیده است. کارگران بررغم اینکه نقش تعیین کننده و مهمی در روند جنبش مردمی داشته است، به دلایل متعدد هیچگونه نصیبی از این مشارکت نبرده اند. یکی از این دلایل نبود رسانه ای مستقل است که بتواند صدای این زحمتکشان را منتشر کند. اعترافات صادقی و محبوب در جریان پرونده روزنامه همشهری، نشان داده است که مطبوعات و رسانه های موجود نه تنها با مسایل کارگری بیگانه اند بلکه در صورت لزوم به نفع منافع جناح ها از آن بهره برداری می کنند. ما از تمامی کارگران، زحمتکشان، فعالان سیاسی و نیروهای مدافع کارگران می خواهیم که با استفاده از فرصت بوجود آمده، این خواست حیاتی کارگران مبنی بر آزادی انتشار گسترده رسانه های مستقل کارگری را هر چه بیشتر برجسته سازند. جمعیت میلیونی کارگران و زحمتکشان میهن به دلیل نقش انکار ناپذیر در روند تولید و تحقق دموکراسی نیازمند رسانه ای است که منعکس کننده نظرات واقعی آنها در سطح جامعه و جنبش باشد. پیش به سوی تشکل ها و رسانه های مستقل کارگری.

هفته گذشته میهن ما شاهد تحولات سیاسی مختلفی بود که از يك طرف استیصال رژیم ولایت فقیه در مقابل جنبش مردمی را نشان می دهد و از طرف دیگر تجربه بی گرانها را در پیش روی جنبش مردمی گذاشت. آزادی آیت الله منتظری بعد از پنج سال حبس خانگی همان طور که انتظار آن می رفت عملی گردید و رژیم ولایت فقیه را مجبور به يك عقب نشینی کامل کرد. مطبوعات وابسته به ارتجاع حاکم که در طول یکی دو هفته گذشته و آگاه از این مسأله که آزادی آیت الله منتظری صورت می گیرد با درج خبرهای گوناگون سعی کردند واقعیت موجود را آن طوری که به نفع سران رژیم است مورد تجزیه و تحلیل و پوشش خبری قرار دهند. مصاحبه آیت الله منتظری با بخش فارسی رادیو بی بی سی تمامی خواب های سردمداران رژیم را نقش بر آب کرد و عقب نشینی آشکار آنان را به اثبات رساند. آیت الله منتظری در این مصاحبه به مواردی اشاره کرد که در برگزیده خواست های اصلی مردم در طول چندین سال گذشته بوده است. قبل از آنها، آیت الله منتظری این شایعه را که وی و فرزندانش درخواست رفع حصر کرده اند با قاطعیت تکذیب کرد و گفت: " اینها دروغه، شماها از طرف ما تکذیب نکنید. من خودم حسینعلی منتظری هستم، تکذیب کنید. فرزندان ما هم گفتند دروغه. چرا نسبت دادند. احمد ما گفت که من مصاحبه هم دادم، گفتم دروغه. نه خیر هیچ تقاضایی نبوده. " آیت الله منتظری در مورد عوض شدن افکار و موضع گیری هایش گفت: " افکاری که داشتم در کتاب های من هست و در نوشته هایم هم منتشر شده. افکارم هیچ عوض نشده، همان افکار سابق است. هم در کتاب هایم است، هم در خاطراتم هست، هم در مصاحبه های کتبی که داشتم نظریاتم را گفتم. نه اشتباه کردم نه پشیمانم. اینها حرفه. انسان اگر چنانچه تشخیص داد مطلبی حق است باید پای آن بایستد. من چیزی که تشخیص می دادم حق است، دنبالش می رفتم. هیچوقت هم با کسی درگیری نداشتم که بخوام رهبر بشوم یا مرجع تقلیدی باشم. وظیفه الهی من هر چه بود تشخیص می دهم و عمل می کنم. " آیت الله منتظری در مورد وضعیت کشور و اینکه نسبت به روند اوضاع امیدوار می باشد، گفت: " مردم اگر چنانچه دنبال حق و حقیقت باشند و استقامت داشته باشند و آزادی هایی که اول انقلاب به مردم وعده داده شد به مردم داده شود، اگر چنانچه مسئولین به همان وعده های اولیه که دادند عمل کنند، مردم استقامت دارند. و این هم که اشخاص این اواخر می گویند اصلاح و اصلاحات، چیز تازه ای نیست. اصلاحات یعنی همان وعده های اولیه انجام بشود. مردم آزادی داشته باشند و بتوانند حرف هایشان را بزنند. " وی در مورد عملکرد محمد خاتمی و اینکه وی می تواند شعارهایش را جامه عمل بپوشاند، با لحنی انتقادی اظهار داشت: " نمی تواند، اگر همینطور پیش برود مردم یاس پیدا می کنند، مگر ایشان در رفتارشان تجدید نظر کند. باید به وعده هایی که به مردم داده شده عمل بشود. " در مورد نظرات استصوابی گفت: " اصلا این نظرات استصوابی يك چیز من درآوردی است. من خودم از خبرگان قانون اساسی بودم. اصل ۹۹ که تصویب شد منظور این بود که چون در زمان شاه دولت دخالت می کرد و برای مردم وکیل تحمیل می کرد، ما برای اینکه جلوگیری بشود از این معنا که مجریان و دولت بخواهند به مردم تحمیل بکنند و جلوی آزادی را بگیرند، این اصل رو تصویب کردند که شورای نگهبان نظارت کند که مجریان، نماینده به مردم تحمیل نکنند. حالا آقایان آمده اند به عکس معنا کرده اند که نه شورای نگهبان نباید جلو آزادی مردم را بگیرد و هر کسی را پسندید، مردم به آن رای بدهند. " وی در جایی دیگر گفت: " من با نظرات استصوابی مخالفم و مردم باید آزادی داشته باشند. قطعا اگر مردم آزادی داشته باشند آدم های عوضی را انتخاب نمی کنند. فووش از ۲۷۰ نماینده، دو تا سه نماینده می روند داخل مجلس، کاری نمی توانند بکنند، بنابراین بیخود این مسئله را آنقدر دنگ و فنگ می دهند و برای انتخابات جلوی آزادی ها گرفته می شود. "

اظهارات آیت الله منتظری، علاوه بر اشاره به مهم ترین و مبرم ترین معضلات سیاسی میهن ما در برگزیده نکته دیگری است که باید مورد توجه قرار گیرد. در طول چند سال گذشته سیاستی مماشات طلبانه سعی بسیار زیادی داشت تا از

ادامه تلاش های پنهان و آشکار ارتجاع برای ایجاد ...

این ترنفدها در آن مقطع بر بستری استوار بود که حس اعتماد توده ها و نیروهای مترقی نسبت به احزاب و سازمان های خارج از حکومت و دارای پایگاه مردمی را هر چه بیشتر از طرق این احزاب رژیم ساخته کم تر کند و در ضمن با انداختن تورهای امنیتی در این شکل و شمایل شکار نیروهای مومن را آسان و سهل کند. مدت ها پیش تلاش تبلیغاتی بزرگی شروع گردید به نام "تواندیشی" دینی که کارگردانان نمایشی آن را اشخاصی همچون فقیهی و طه هاشمی از گردانندگان روزنامه انتخاب تشکیل می دادند. مصنوعی بودن چنین ترنفدهایی در مقابل هوشیاری توده ها آنچنان وضعیتی را به وجود آورد که این حرکت را در همان شروع با شکست مواجه ساخت و کمتر کسی را می توان سراغ گرفت که از پروژه "تواندیشی دینی" صحبتی به میان آورد. وضعیت جنبش اصلاحی و حرکتی عظیم که در داخل جامعه ایران شکل گرفته است علاوه بر آنکه نشانگر تحولات عمیقی در زیرین ترین لایه های اجتماعی است، مرتجعان حاکم را نیز مجبور کرده بررغم میل باطنی نیز دم از اصلاحات بزنند. از نمونه این تحول می توان به رشد احزاب رژیم ساخته ای استناد کرد که در طول چند سال اخیر با ادعای مردم سالاری و حمایت از اصلاحات از هر گوشه و به طور ناگهانی و یک شبه به وجود آمده اند. حکایت حزب "همبستگی" از همین مقولات است اما با شکل ویژه و کاملا حساب شده که به تدریج نیات واقعی آن نشان داده می شود. نگاهی به سابق و تحولاتی که در گذشته روی داده می تواند گوشه هایی از این اقدامات حساب شده مرتجعان حاکم را بر ملا سازد. اولین نکته ای که در مورد اعضای حزب همبستگی باید خاطر نشان کرد این است که افراد حاضر در مجموعه فعلی در اوایل اقدام به تاسیس جبهه بی کردند به نام "جبهه اصلاح طلبان" که اعضای به اصطلاح موسس آن مرکب از کواکیبان، و حکیمی پور مصاحبه یی مطبوعاتی نیز برگزار کردند که ایرنا، ۲۲ اردیبهشت ۸۰ آن را مخابره کرد. بررغم این اعلام، کمتر کسی از وجود و نام این جبهه یاد و نامی به خاطر دارد. به این خاطر بود که ترنفدهای جدید قرار شد با شیوه ای کاملا جدید به اجرا درآید. روزنامه و حزب همبستگی قبل از این تغییر و تحولات هم مدیر مسول و هم دبیر کل دیگری داشت. محمد رضا راه چمنی دبیر کل سابق حزب همبستگی در یک حرکت برنامه ریزی شده و به طور آرام و بی سر و صدا از این حزب خارج و عهده دار پست ریاست سازمان بهزیستی کشور گردید و جای خویش را در حزب به کسانی داد که قرار بود "جبهه اصلاح طلبان" را تشکیل دهند. در رژیمی که ایجاد تشکل های خارج از کنترل حکومت به آسانی میسر نیست افرادی همچون کواکیبان و حکیمی پور وارد یک حزب قبلا تشکیل شده می گردند و اصغرزاده دانشجوی سابقی که در تسخیر سفارت نقش داشت نیز یک شبه به دبیر کلی این حزب برگزیده می شود. این شیوه از دید مرتجعان از این نظر به اجرا درآمده تا کمتر با حساسیت مواجه گردد. چندی پس از این اقدامات ما شاهد هستیم که روند حرکت های اخیر از جانب حزب همبستگی با اعضاء و دبیر کل جدید چه اهدافی را به دنبال دارد. از چندی پیش که دامنه اختلافات در شورای شهر تهران بالا گرفت و در نهایت به انحلال این شورا انجامید را باید آغاز پروژه ای ارزیابی کرد که امیر محیبیان آن را "نگرانی های درونی سران دوم خرداد" پیش بینی کرده است. اخیرا الیاس حضرتی در مصاحبه ای که انجام داده در ارتباط با انتخابات شوراها و مساله ائتلاف، گفت: "حزب همبستگی در ابتدا آماده همکاری و ائتلاف با خانواده بزرگ دوم خرداد است و در جهت تقویت این ائتلاف حرکت می کند که البته بر مبنای صاحب اختیاری یک حزب خاص برای لیست موجود نیست، بلکه هر حزبی باید در این لیست ائتلافی سهمی داشته باشد" (همبستگی، ۱ بهمن). وی با حمایت از اصغرزاده و اینکه وی سالم ترین و فعال ترین عضو شورای شهر تهران است در مورد عباس عبدی و اتهامات وارده به او می گوید: "اعترافات عبدی نشان از صداقت او دارد و کسانی که نسبت به این قضیه اظهار نظر می کنند تعصبات حزبی خود را لحاظ می کنند" همزمان با این تحولات و موضع گیری ها، اصغرزاده مصاحبه ای را با سایت "بازتاب" انجام داده که بیانگر مخالفت و اختلاف وی و همفکرانش با دیگر اصلاح طلبان حکومتی می باشد. در طول تمامی این مصاحبه وی بر این اختلاف و مخالفت با سیاست های کنونی تاکید دارد و در جایی می گوید: "از همان ابتدایی که آقای

خاتمی به عنوان رئیس جمهور انتخاب شد، در حقیقت با انتخاب و متبلور شدن دولت آقای خاتمی، اختلاف نظرها رخ داد. دولت آقای خاتمی در بخش سیاسی و فرهنگی بیش از اندازه متوجه مسایل اجتماعی بود و در بعضی از حوزه ها، هم وزراء یک برداشت صحیحی نداشت. "وی سپس در ادامه به انتقاد از سیاست های اقتصادی، خارجی دولت پرداخت و آن را ناشی از گرایش محافظه کاران این طیف می داند. در مورد آزادی ها، وی با بیان اینکه دولت تلاش هایی را در این راه انجام داده می گوید: "در بخشی هم دولت باید شرایط را برای استفاده از آزادی ها فراهم کند یعنی در حقیقت دولت اصلاح طلب دو ماموریت داشت. یکی دفاع از آزادی ها و برداشتن موانع راه و دوم ایجاد فضایی که مردم از این آزادی ها لذت ببرند." منظور اصغرزاده از آزادی وقتی روشن می شود که وی در تشریح آن می گوید: "آزادی برای جوانی که می خواهد از زندگی خودش لذت ببرد وقتی ارزش می شود که بداند می تواند از حق اسکان یا حق شغل و حق استقرار یک زندگی راحت هم بهره ببرد وگرنه، اگر دولت فقط بگوید من این آزادی ها و موانع را برمی دارم و شما بروید لذت ببرید ولی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن بیشتری استفاده را از اقتصاد کشور ببرد و گروه های مهمی از جامعه یا طبقات محروم باشند، فارغ از اینکه راجع به ساده ترین مسایل معیشتی خودشان هم دخالت داشته باشند و نظر بدهند، آنجا کسی که دارد از این آزادی ها و یا از شعار توسعه سیاسی استفاده می کند فقط گروه های مرفه و ثروتمند جامعه هستند." اصغرزاده در حالی طرز تفکر خویش و همفکرانش در مورد آزادی را بیان کرده که در هیچ کجا از مصاحبه خویش نه در اینجا و نه در دیگر جاها، هیچ گونه اشاره یی به ساختار موجود رژیم نکرده و تمامی انتقادات آنها مربوط به دولت و دیگر اصلاح طلبان است. این اقدامات در حالی صورت می گیرد که رژیم ولایت فقیه در شکننده ترین وضعیت خویش، تحت فشارهای فزاینده است، مبنی بر حذف نظارت استصوابی، محدود کردن اختیارات ولی فقیه و دیگر موارد این چنینی که در درجه اول اهمیت برای جنبش مردمی قرار دارد. نکته جالب اینکه اصغر زاده و همفکرانش در حالی به این مانورها ادامه می دهند که اخیرا در جلسه گروه های جبهه دوم خرداد برای ائتلاف در انتخابات شوراها شرکت کرده اند. اگر این جریان معتقد است که انتقادهای جدی به روند حرکت های تاکنونی دیگر اصلاح طلبان وارد است پس نقطه مشترک آنها در جریان انتخابات پیش رو در رابطه با ائتلاف چه می باشد؟ مگر سطح اختلافات آنها به جایی نرسید که باعث انحلال شورای شهر تهران گردید؟ آیا حضور در جلسه مذکور اجرای سناریوی مشابه برای شورای جدید نخواهد بود؟ اگر چنین قصدی وجود ندارد، با توجه به اینکه امکانات رسانه یی و تبلیغی آنها از هر گروه و سازمان بیشتر است، چرا این حضور خارج از ائتلاف مذکور انجام نمی گیرد؟ سیاست موبذانه ای که کارگزاران جدید حزب همبستگی در حال اجرای آنند، در نهایت با سلیبی محکم توده ها به سرنوشتی همچون سرنوشت سردار سازندگی منتهی می شود. توده ها هوشیار تر از آن هستند که چنین ترنفدهایی را باور کنند. در رژیمی که بزرگ ترین حزبش مورد تهدید و انحلال قرار می گیرد و فاقد هیچ روزنامه ای نیست و اعضاء بالا و پایین آن به زندان و حبس های انفرادی و اعترافات فرمایشی مجبور می شوند، در رژیمی که دفتر تحکیم وحدت به عنوان تشکلی که ساخته و پرداخته خود همین رژیم بوده است و اکنون ددرسهای زیادی را متوجه حاکمیت ارتجاع کرده است با تهدید و انحلال و زندان اعضاء مواجه می شود، در رژیمی که کارگران و زحمتکشان میهن بررغم تمامی کوشش و سعی شان از یک تشکل صنفی و سیاسی مستقل محرومند، در رژیمی که نویسندگان و روشنفکرانی که در عرصه قلم به فعالیت مشغول هستند حتی از ثبت کانون متعلق به خویش تاکنون محروم مانده اند، اصغرزاده و همفکرانش صاحب تریبون های مختلف از جمله چند روزنامه هستند. حرکت هایی که ارتجاع این بار با کارگردانی اصغر زاده و همفکرانش شروع کرده است نشان می دهد که خواست تحولات بنیادین در میان توده ها از چنان عمقی برخوردار است که حاکمان کنونی را نیز مجبور کرده است برای انحراف این روند زیر شعارهای اصلاح طلبانه این برنامه ها را به خیال خود پیش ببرند. جنبش مردمی در طول چند سال گذشته این ترنفدها و کارشکنی ها را تجربه کرده و آن را از سر گذرانده است. ما مطمئن هستیم که سطح هوشیاری جنبش مردمی آن چنان بالاست که ترنفد جدید مرتجعان، اصغرزاده و همفکرانش را نیز با شکست کامل مواجه می سازد.

ادامه اعلام شمارش معکوس برای جنگ ...

که عراق تکنولوژی ساخت و یا تولید سلاح های شیمیایی و یا بیولوژیک داشته باشد ممکن است که تروریست ها به آن دست یابند و دوباره جنایت از قسا ۱۱ سپتامبر را سازمان دهند. البته در سخنان بلر هیچ اشاره ای به اولاً چه شواهدی در این رابطه وجود دارد، چه کشورهای تکنولوژی پیشرفته ضروری برای چنین سلاح هایی را در اختیار عراق گذاشته اند، و چرا هیچ صحبتی در مورد پاکستان و اسرائیل که اعلام کرده اند چنین سلاح هایی را در اختیار دارند و سیاست های سرکوبگرانه اعمال می کنند، نمی شود. تونی بلر که نقش هماهنگ کننده کشورهای حامی سیاست جنگ طلبانه بوش را در تقابل با موج مخالفت جهانی با سیاست جنگ تقبل کرده است، اخیراً همچنین سعی به ارائه تفسیری جدید از قطعنامه ۱۴۴۱ شورای امنیت سازمان ملل کرد. او همزمان در ملاقات با بوش در واشنگتن در روز ۱۱ بهمن (۳۱ ژانویه) گفت: "ضروری نیست مدرک روشنی در زمینه وجود سلاح های شیمیایی، بیولوژیک و یا تسلیحاتی در عراق ارائه شود، تعیین کننده اینست که آیا صدام حسین در رابطه با خلع سلاح به شیوه ای که ما می خواهیم با ما همکاری می کند و یا نه". این موضع جدید دولت انگلیس برای خلع سلاح کردن جنبش جهانی و رشد یابنده ضد جنگ و ایجاد زمینه برای قطعنامه جدیدی در شورای امنیت سازمان ملل در مجاز دانستن اقدام نظامی بر ضد عراق است. در این رابطه موضع هیئت بازرسی ویژه سازمان ملل در رابطه با خلع سلاح عراق و اینکه آیا آن ها موفق خواهند شد که نتیجه تحقیقات خود را بدون توجه به مداخلات و فشار های دولت بوش تنظیم کنند، اهمیت می یابد. گزارش هانس بلیکس در روز ۲۷ ژانویه به صورت غیر اصولی عراق را متهم کرد که همکاری های آن محدود به "روند" بازرسی بوده و نه "محتوای" خواست های شورای امنیت سازمان ملل. این در شرایطی است که محمد البرادعی، مسئول آژانس انرژی اتمی جهان، در مقابل تصریح کرده است: "هیچ گونه شواهدی مبنی بر اینکه عراق برنامه تسلیحات هسته ای را که در سال های ۹۰ ناپدید شدند، از سر گرفته است، وجود ندارد."

هدف جنگ چیست؟

حزب توده ایران، همراه با تمامی نیرو های مترقی و صلح دوست جهان از همان فردای ۱۱ سپتامبر نگرانی خود را از اظهارات سیاست گذاران اصلی دولت آمریکا در رابطه با امکان و عقلایی بودن شروع یک جهاد مقدس، "جنگ بی انتها" و امکان استفاده محدود از سلاح های هسته ای بر ضد کشورهایی که حاضر به قبول بی چون و چرای هژمونی ایالات متحده نیستند، ابراز کرد. ما بکرات در مورد این حقیقت که "جنگ بر ضد تروریسم" از سوی آمریکا به مثابه پوششی برای پنهان نگاه داشتن اهداف اصلی سیاست تحمیل نظامی گری در سطح جهان، گسترش حیطه تسلط مطلق این کشور بر مناطق کلیدی و استراتژیک جهان و کنترل منابع انرژی، مورد استفاده قرار گرفته است هشدار دادیم. جنگ بر ضد عراق، به دنبال جنگ افغانستان، را باید در چهارچوب جا انداختن دکترین نوین نظامی آمریکا در رابطه با جنگ های بازدارنده، جنگ هایی که آمریکا خود را محق در تحمیل آن بر کشورهایی می داند که مورد شک در رابطه با تهدید "منافع حیاتی" و یا بهتر بگوئیم هژمونی ایالات متحده هستند. در رابطه با اینکه کدام یک از کشورهای "محور شیطانی" در فاز های آتی این جنگ های بازدارنده مورد حمله نظامی قرار خواهند گرفت، نظرات متفاوتی ابراز می شود اما یک مساله حتمی است و آن اینکه "جنگ بی انتها" به عراق ختم نخواهد شد. سیاستمداران اصلی آمریکا دقیقاً معنی بسیج یک لشکر ۲۵۰/۰۰۰ نفره با مدرن ترین تسلیحات، و در دهن کجی به افکار عمومی جهان، قوانین بین المللی و منشور سازمان ملل، و اعلام علنی طرح اشغال و به استعمار کشیدن و استفاده از ذخائر نفتی یک کشور را می دانند و با حساب قبلی تبعات آن به این مسیر پای گذاشته اند.

دلیل آمریکا برای این لشکر کشی مساله نقض حقوق بشر در عراق، عملکرد جنایتکارانه رژیم بعثی در رابطه با مردم این کشور و یا کشورهای همسایه آن نیست. چرا که اگر چنین مسایلی مورد توجه ایالات متحده بودند، می شد که از طرق دیپلماتیک، بر پایه مفاد منشور سازمان ملل متحد و دیگر اسناد پایه ای تنظیم کننده روابط بین المللی به حل آن ها پرداخت.

اکنون همه جهان می دانند که دلایل آمریکا در پیگیری این دکترین نظامی جدید مشخصه های استراتژیک و اقتصادی دارد. این حقیقتی است که یک يك اعضای اصلی دولت کنونی آمریکا، از جورج بوش و دونالد رامسفلد گرفته تا دیک چنی، کوندلیزا پرایس و گروه کارلایل یا از سهامداران عمده و یا از مستشاران اصلی انحصارات نفتی و یا تسلیحاتی هستند. این واقعیت که در ۱۶ ماهه اخیر بر رغم بحران همه جانبه اقتصاد سرمایه داری جهان، سود و ارزش سهام کمپانی های نفتی و تسلیحاتی دائماً در حال افزایش بوده است را نباید کم اهمیت دانست. یک تحلیل اقتصادی در رابطه با بازار جهانی نفت، در روزنامه تایمز مالی در روز ۹ بهمن ماه (۲۹ ژانویه) فاش کرد که سودخالص کمپانی های نفتی در پائیز ۵۹ درصد بالاتر از دوره مشابه در سال گذشته بوده است (۶/۲ میلیارد دلار). همین روزنامه که از معتبرترین رسانه های اقتصادی جهان سرمایه داری محسوب می شود، یک روز بعد از این خبر داد که سخنرانی جورج بوش به تقویت قیمت نفت در جهان و بالا رفتن ارزش سهام کمپانی های نفتی منجر شده است. به گزارش تایمز مالی ارزش سهام کمپانی بریتیش پترولیوم که در سال گذشته در شرایط خوبی نبوده است، پس از سخنرانی بوش ۴۰ درصد افزایش یافته است.

بر این پایه است که می باید نتیجه گیری کرد که عامل عمده در تصمیم گیری آمریکا در رابطه با هجوم نظامی به عراق دستیابی به اهرم های اصلی کنترل منابع سرشار نفت این کشور و کشورهای همجوار در خلیج فارس است. این حقیقتی است که در پایان جنگ افغانستان و در عمل اشغال نظامی آن توسط ایالات متحده در زمستان گذشته یک نتیجه مشخص و استراتژیک آن در جلو چشم همه، چه موافق و چه مخالف، قرار داشت و آن هم حضور نظامی نماینده سیاسی انحصارات نفتی در افغانستان و سراسر آسیای مرکزی با هدف کنترل منابع انرژی سرشار دریای خزر بود. در رابطه با عراق هم این جنگ، جنگی است برای نفت و هیچ ربطی به حقوق بشر، دفاع از دموکراسی و یا ماموریتی برای تاسیس، استقرار و تحکیم جامعه مدنی در این کشور ندارد.

پیامد های فاجعه بار انسانی

روزنامه گاردین در روز ۹ بهمن ماه (۲۹ ژانویه) نکات کلیدی یک گزارش تحقیقی ویژه سازمان ملل در رابطه با تلفات جنگ بر ضد عراق را منتشر کرد. به نوشته گاردین این اطلاعات به دلایل دیپلماتیک و فشار های دولت ایالات متحده انتشار وسیع نیافته اند. بر طبق گزارش سازمان بهداشت جهانی (بخشی از سازمان ملل) حدود ۵۰۰/۰۰۰ نفر از مردم عراق بدلیل جراحات ناشی از جنگ و یا بیماری های حاد ناشی از بمباران سیستم آبرسانی و فاضلاب کشور نیازمند مراقبت های پزشکی خواهند بود. بنیاد کودکان سازمان ملل نیز گفته است که وضع تغذیه ای ۳/۰۳ میلیون نفر وحشتناک خواهد بود. آن ها نیاز به تغذیه درمانی خواهند داشت. در حدود چهارپنجم این افراد کودکان زیر ۵ سال خواهند بود و بقیه زنانی که یا حامله هستند و یا به نوزادان خود شیر می دهند.

کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل تخمین می زند که در صورت وقوع جنگ حداقل ۹۰۰/۰۰۰ عراقی به ایران پناه برده و دو میلیون نفر در داخل عراق جا بجا خواهند شد. سازمان جهانی پزشکان مخالف جنگ هسته ای پیش بینی کرده است که تلفات انسانی جنگ در مقایسه با جنگ قبلی در ۱۹۹۱ پنج برابر خواهد بود. این هم به دلیل ماهیت جنگ برای "تغییر رژیم" و هم به دلیل انواع تسلیحات مدرن و مهلکی است که در ۱۲ سال اخیر مورد استفاده قرار گرفته اند.

پیامد های منطقه ای

تدارک جنگ بر ضد عراق تاثیر عمده ای در جو سیاسی منطقه و برآیند نیرو ها در خاورمیانه داشته است. تحولات سیاسی در فلسطین و چندین کشور منطقه و از جمله ترکیه، سوریه، اردن، اسرائیل، کویت، قطر، عربستان سعودی و البته ایران مستقیماً متأثر از تدارک حمله نظامی به عراق بوده است. جو سرکوب در تمامی این کشور ها وسعت گرفته است. متأسفانه در بسیاری از این کشور ها عملکرد دولت ها به عوض دفاع از منافع ملی و منطقه بی خلق ها یا در هماهنگی مستقیم با طرح امپریالیسم آمریکا و یا چشم بستن بر عواقب دراز مدت و استراتژیک چنین جنگی و تعقیب سیاست های خودمحرورانه و یا مخلوطی از این دو بوده است. در کمتر کشوری در منطقه سیاست صحیح در این شرایط یعنی اعلام صریح و بدون قید و

ادامه اعلام شمارش معکوس برای جنگ ...

شرط مخالفت با هرگونه جنگی در منطقه و دفاع از راه حل دیپلماتیک همه مسایل مطرح و از جمله عملکرد جنایتکارانه رژیم صدام و یا حامیان نیروها و شیوه های تروریستی از طریق سازمان ملل و بر طبق قوانین بین المللی، مورد توجه بوده است. توضیح جوانب مختلف این سیاست صحیح برای توده ها و بسیج آنان در حمایت از چنین موضعی تضمین امنیت و تمامیت ارضی و منافع حیاتی کشورها می باشد. ولی رژیم های ضد مردمی و ارتجاعی منطقه به ابزار سیاست های جنگ طلبانه بدل شده اند. مواضع متضاد و عکس العمل های ساده لوحانه جمهوری اسلامی ایران مثال مشخصی در این زمینه است.

رهبران رژیم در حالی که از يك سو و در خفا در تدارك هماهنگی و همکاری با نیروهای نظامی امپریالیستی اند، از سوی دیگر با تهدید به مقابله نظامی و ایجاد دریایی از خون و تبلیغات توخالی عملاً توجیه گر تجاوزگری نیروهایی می شوند که در شرایط بین المللی ویژه کنونی اصولاً منتظر چنین موضعگیری های تحریک آمیزی هستند. این حقیقتی است در يك سال گذشته مسئولان درجه اول رژیم سعی داشته اند که با توسل به شیوه های مذموم دیپلماتیک و در پشت پرده به توافق هایی با آمریکا و انگلستان در رابطه با آینده عراق و منطقه خلیج فارس برسند. آنچه در این توافق ها به هیچ وجه مورد توجه نبوده منافع خلق هاست. از تازه ترین شواهد چنین سیاست گذاری مذمومی گزارش روز ۹ بهمن (۲۹ ژانویه) در نیویورک تایمز در رابطه با حضور و فعالیت های احمد چلبی، رهبر کنگره ملی عراق، از کارگزاران وزارت خارجه آمریکا در رابطه با عراق است. چلبی در کنفرانس مطبوعاتی بی در ساختمان مرکزی کنگره ملی عراق در تهران از اطمینان خود نسبت به حمایت میزبانان ایرانی اش سخن گفت. چلبی برای نمایش هماهنگی رژیم ایران با مواضع کاخ سفید در رابطه با آینده عراق گفت که مخرج ساختمان و پرسنل مقر کنگره ملی عراق در تهران از سوی دولت آمریکا تامین می شود. او اشاره کرد که بدلیل وجود تحریم اقتصادی برضد ایران، خزانه داری آمریکا فرمان ویژه ای را از اداره کنترل مایملک خارجی برای تامین مالی عملیات کنگره ملی عراق در ایران دریافت کرده است. به گفته نیویورک تایمز وزارت خارجه آمریکا بیانیه چلبی را در رابطه با دریافت منابع مالی برای فعالیت سیاسی در ایران تأیید کرده است. گرچه حضور چلبی در تهران به صورت رسمی از سوی رژیم اعلام نشده است ولی وی فاش کرد که او و گروه ۱۵ نفره مسئولان کنگره ملی عراق ملاقات و گفتگو های رسمی با مقام های عالی رتبه در سپاه پاسداران و ارگان های امنیتی کشور داشته اند. چلبی فاش کرد که مقامات ایرانی قول مساعدت برای ورود غیرقانونی نیروهای وابسته به کنگره ملی عراق از طریق ایران را داده اند. چلبی در این کنفرانس مطبوعاتی مذاکرات خود با مقامات رسمی رژیم را مفید و ثمر بخش خواند و فاش کرد که ایران از نیمه های دهه ۹۰ میلادی به او و گروهش اجازه عبور مخفیانه از خاک ایران به عراق را داده است. چلبی در مورد موضع رژیم ولایت فقیه نسبت به وضعیت حاد کنونی و حمله نظامی برای تغییر رژیم در عراق گفت آنها از کوشش های ما حمایت خواهند کرد. او در همین کنفرانس مطبوعاتی فاش کرد که آیت الله باقر الحکیم، رهبر مجلس اعلاء انقلاب اسلامی در عراق، در ماه های اخیر در رابطه با سرنگون کردن رژیم صدام عملاً موضع متحدی با واشنگتن اتخاذ کرده، گرچه او با اشغال نظامی طولانی مدت عراق مخالف است. لوس آنجلس تایمز نیز در روز ۷ بهمن ماه (۲۷ ژانویه) با گزارش مسافرت احمد چلبی و کنعان ماکیا، پروفیسور عراقی دانشگاه براندیز، به تهران هدف آن ها را اطمینان بخشیدن به مقامات رسمی در مورد حفظ منافع ایران در شرایط حمله نظامی و سرنگونی رژیم صدام دانست.

حمایت از جنگ سیاستی ضد ملی است!

حزب توده ایران با درك كامل عواقب و نتایج مخرب و فاجعه بار لشگرکشی آمریکا و جنگ برای مردم عراق و تمامی کشورهای منطقه و از جمله میهن مان هرگونه حمایتی از ماجراجویی نظامی در همسایگی مرزهای کشور را محکوم می کند. ما با آگاهی از تبعات استراتژیک استقرار و عمل نیروهای نظامی آمریکا در منطقه برای آینده تحولات کشور، همه نیروهای سیاسی مردمی را فرامی خوانیم که فعالیت های متحدی را در جهت بسیج مردم زحمتکش برای شرکت در يك جنبش صلح نیرومند و سراسری را سازماندهی کنند. این جنبش متحد به موازات مخالفت با سیاست تجاوزگرانه امپریالیسم قابلیت بسیج وسیعترین همبستگی ها با مردم عراق در مبارزه برضد رژیم دیکتاتوری صدام حسین و در حمایت از يك آلترا تویو دموکراتیک را خواهد داشت. ما بر این باوریم که طرح های امپریالیسم در عراق متوجه جایگزین کردن صدام

در عین حفظ عمده ترین اجزاء ساختار دیکتاتوری و ضد مردمی رژیم حاکم در کشور است. اظهارات اخیر دیک چنی، معاون رئیس جمهوری آمریکا، و زلمای خالیزاد، نماینده افغانی الاصل دولت آمریکا در رابطه با عراق، در مورد ترکیب دولت آینده پس از صدام و مخالفت دولت آمریکا با ابتکار های مستقل اپوزیسیون عراق در مبارزه با رژیم دیکتاتوری هیچ گونه شکی را در این رابطه باقی نمی گذارد. ما از موضع استراتژیک حزب کمونیست عراق که: "در حالی که حزب ما به مبارزه برضد دیکتاتوری حاضر و سیاست های آن ادامه می دهد، بطور قاطع جنگ را به عنوان وسیله ای برای تغییر مردود می شماریم" حمایت می کنیم.

ابتکار کمونیست های عراقی برای جلوگیری از جنگ نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق

کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق در نامه سرگشاده ای به احزابی کمونیست- کارگری جهان، در تاریخ ۸ بهمن ماه ۱۳۸۱ (۲۸ ژانویه) در کنار ارزیابی وضعیت بغرنج حاضر، در رابطه با تدارك حمله نظامی آمریکا به عراق، پیشنهاد مهم تشکیل يك کنفرانس بین المللی زیر نظارت سازمان ملل برای جلوگیری از خطر جنگ و همچنین تضمین تغییرات دموکراتیک در عراق را مطرح کرد.

کمیته مرکزی حزب برادر با قدردانی از ابتکارات چندجانبه و شرکت فعال احزاب کمونیست- کارگری و دیگر نیروهای چپ و صلح دوست جهان در کارزار مقابله با خطر جنگ، آن را عاملی موثر در جلوگیری از این فاجعه که نه فقط مردم عراق بلکه خلق های منطقه و جهان را تهدید می کند، دانست.

نامه سرگشاده حزب برادر با اعلام هم نظر بودن با احزاب کمونیست کارگری در رابطه با اهداف چندگانه امپریالیسم آمریکا و به ویژه در رابطه با خاورمیانه اضافه می کند که: "شکست این برنامه های امپریالیستی در هر بخش جهان مطمئناً يك پیروزی برای جنبش کمونیستی- کارگری و همچنین دیگر نیروهایی که برای صلح و عدالت اجتماعی و حق خلق ها به تعیین سرنوشت خود و فارغ از تسلط و هژمونی مبارزه می کنند، می باشد."

کمیته مرکزی حزب برادر پس از اشاره به مبارزه خستگی ناپذیر کمونیست های عراقی برضد رژیم دیکتاتوری صدام، به مسئولیت حاکمان کنونی در ایجاد وضعیت موجود اشاره می کند. نامه سرگشاده حزب کمونیست عراق پس از قدردانی از نقش احزاب برادر در گسترش کارزار برضد جنگ از آنها در رابطه با "حمایت مستقیم و صریح و همبستگی با مبارزه مردم و حزب کمونیست عراق در راستای يك جایگزین دموکراتیک، فدرال و پلورالیست" تقاضای یاری کرد. نامه سرگشاده ادامه می دهد: "

حزب کمونیست عراق ضمن تأکید اصولی بر مخالفت قاطعانه خود با استفاده از جنگ به عنوان وسیله ای برای تغییر رژیم کنونی، به تکیه خود به مردم برای حصول تغییرات دموکراتیک در کشور اشاره می کند و می گوید: "ما به مردم خود و به نیروهای میهنی و دموکراتیک آن اتکاء داریم."

نامه سرگشاده حزب کمونیست عراق ضمن تأیید لزوم همبستگی بین المللی با مردم عراق، "حمایت جامعه بین المللی از مردم عراق را، بر پایه قطعنامه های سازمان ملل و به ویژه قطعنامه ۶۸۸ شورای امنیت سازمان ملل که خواستار تضمین حقوق بشر و خاتمه سرکوب در عراق است"، مورد تأکید قرار می دهد.

ادامه مبارزه برای آب، مبارزه یی ...

یکی از شروط منعقد در پرداخت وام ساختاری اقتصادی جدید به کشور غنا از سوی بانک جهانی شامل افزایش قیمت آب مورد نیاز شهروندان و سپس اجازه دادن سازمان آب این کشور به شرکت های انحصاری است. در نتیجه نرخ آب مورد نیاز دو برابر گشت. آدولف آمنگا ائنگو، رهبر ائتلاف سراسری برضد خصوصی سازی آب گفت: "بانک جهانی و دولت غنا فکر می کنند قیمت آب زیر نرخ بازار دنیاست اما پرداخت همین قیمت نیز برای جمعیت غنا فراتر از توانایی ایشان است. مردم آرژانتین نیز از خصوصی سازی صدمه دیده اند.

شرکت آزر کس، از شرکت های وابسته به شرکت انحصاری انرون، امتیاز گرداندن انتفاعی سازمان آب ناحیه بوئنس آیرس، پایتخت این کشور را دریافت کرد. نتیجه کار در بخش پالایش آب ضایع نشان داد که از کیفیت پایینی برخوردار بوده و مقررات محیط زیست را نیز نقض کرده است. آیا شرکت انرون برای اصلاح آن چاره ای اندیشید؟ پاسخ منفی است. پس از پرداخت یک میلیون دلار جریمه تصمیم گرفت که قرارداد ۳۰ ساله خود را فسخ کند و مردم را بدون آب بگذارد.

در آرژانتین، در ناحیه توکومان، یک شرکت فرانسوی مدیریت شرکت آبرسانی دولتی را بدست گرفته و نرخها را به دو برابر افزایش داد. بعد از این که مردم آن ناحیه از پرداخت بهای آب خودداری کردند شرکت فرانسوی جنرال دساکس پس از سه سال مجبور به ترک این ناحیه گردید. سپس برای گرفتن خسارت به دامن بانک جهانی پناه برد. شرکت جنرال دساکس تابع بزرگترین شرکت آب در دنیا به نام ویوندی است که اخیرا همراه با شرکت های انرون، ورلدکام، آرتور اندرسن و دیگران بجرم تقلب در حساب های شرکت محکوم شده اند.

در کشور پورتوریکو، پس از دریافت امتیاز اداره آب مستعمره های ایالات متحده آمریکا از سوی شرکت بزرگ ویوندی، شرکت مرجع کانال آب و فاضلاب که یکی دیگر از شرکتهای وابسته به این شرکت انحصاری است به اتهام نقض مقررات محیط زیست مجبور به پرداخت ۶ میلیون دلار غرامت شد. مورد دیگر در شهر کوچابامبا در کشور بولیوی است. در این جا هم بانک جهانی شرایط خود را به دولت محلی تحمیل کرد که با مقاومت مردم روبرو شد. شهر کوچابامبا سومین شهر بزرگ بولیوی با ۸۰۰ هزار جمعیت در دامنه های کوه های آندیس واقع شده است. رییس جمهوری دولت وقت، هوگو بانزار در سال ۱۹۹۹ مخازن آب شهر را به یک کنسرسیوم خارجی به نام شرکت بکتل، از شرکتهای بزرگ انحصاری ایالات متحده آمریکا فروخت. شرکت خصوصی آب جدید، بنام آگواس دلتوناریا، نرخ مصرف آب را حدود ۷۰٪ افزایش داد و بسیاری از مردم میلیغی معادل دو برابر در مقایسه با ژانویه سال ۲۰۰۰ پرداختند. مردم با برگزاری اعتصاب عمومی، راهپیمایی و تظاهرات به مدت تقریبا یک هفته که منجر به فلج شدن کامل شهر شد دولت را مجبور کردند که نرخ مصرف آب را کاهش دهد. هفته ها پس از توقف حرکت های اعتراضی، ائتلافی از شوراهای محلی، سازمانهای صنفی و کارگری و مترقی دست به تظاهرات دیگری زدند و با حمله پلیس و ارتش که از مناطق دیگر آورده شده بودند مواجه شدند. بحرال این یورش دو روزه نتوانست مردم و ائتلاف را به عقب براند. مردم به مبارزه خود نه تنها در کوچابامبا بلکه در سراسر کشور ادامه دادند و سرانجام دولت و شرکت بکتل را وادار کردند که از خرید شرکت آب چشم پبوشند و آن را به مردم محلی واگذار نماید. البته پس از این که دولت برای پایان دادن به اعتراضات، در سراسر کشور وضعیت فوق العاده و تعلیق حقوق مندرج در قانون اساسی را اعلام کرد.

بانک جهانی با آگاهی از امکان مخالفت و مبارزه سازمانهای محلی، سعی دارد تا با بخش دولتی همکاری کرده و سازمانهای محلی را در شگرد خصوصی سازی شرکت آب اغفال کند. بحران آب، تلاش شرکتهای فراملی برای کنترل آب و مبارزه بر ضد خصوصی سازی، موجب پیدایش جنبشی شده که دسترسی به آب سالم و بهداشتی را از عناصر ابتدایی حقوق بشر می دانند. همین اواخر کمیته "حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی" سازمان ملل اعلام کرد که آب یکی از اجزاء حقوق بشر است. کمیته مزبور در اعلامیه ۲۶ نوامبر خود نوشت: "آب برای زندگی و سلامت بنیادی است. آب یکی از حقوق ضروری بشر برای ادامه یک زندگی سالم در ابعاد انسانی است و پیش شرط تحقق سایر مفاد حقوق بشر است."

در آفریقای جنوبی هم که مبارزاتی بر ضد خصوصی سازی آب صورت گرفته که منجر به گنجاندن شدن حق دسترسی به آب در اصل ۲ ماده ۲۷ حقوق مدنی قانون اساسی شده است. بعد از پایان نظام نژاد پرستانه آپارتاید در آفریقای جنوبی، حزب کمونیست این کشور کارزاری را برای وضعیت بهداشت مردم شروع کرد که داشتن آب سالم و گوارا یکی از اصول آن بود. رفیق شهید کیس هانی دبیر کل سابق حزب کمونیست آفریقای جنوبی، نه تنها مفاهیم و نظریه یی عمیق را بلکه حتی آب آشامیدنی برای عموم را بخشی از سوسیالیسم می دانست. مفهوم آب به عنوان یکی از حقوق بشر در ایالات متحده آمریکا هم در حال تکوین است. دنیس کوسینیچ، نماینده دموکرات از ایالت اوهایو در بیانیه یی در ماه اوت گذشته روی مساله آب برای مصرف مردم و نه برای سودآوری به عنوان یک حق انسانی تأکید کرده است.

فریاد اعتراض خود را برضد جنگ رساتر کنیم شرکت رفقای توده ای در مراسم یادبود شهادت روزا لوگزامبورگ و کارل لیبکنشت

طبق سنت هر ساله، در روز ۲۲ دی ماه (۱۲ ژانویه) مراسمی به مناسبت سالروز شهادت روزا لوگزامبورگ و کارل لیبکنشت، دو تن از بنیادگذاران و رهبران حزب کمونیست آلمان در برلن، پایتخت این کشور، برگزار شد. امسال نیز بیش از هشتاد هزار نفر طی مراسمی در گورستان سوسیالیست ها در برلن گردهم آمدند تا یاد این دو انقلابی بزرگ را که در سال ۱۹۱۹ به دست نیروهای شبه فاشیستی ربوده و به طرز فجیعی به قتل رسیده بودند، گرامی بدارند.



در این روزهازاران کمونیست، سوسیالیست های چپ و نیروهای ترقی خواه آلمانی و خارجی با شرکت خود در گردهمایی ها، تظاهرات و جلسات گوناگون که به طور هم زمان در نقاط مختلف شهر برلن برگزار می شدند جمع گشته و در ساعت معین با عبور از خیابان های عمده به سوی گورستانی که گورهای روزا لوگزامبورگ و کارل لیبکنشت در آن جای دارند حرکت کردند.

از آن جا که طی هفته های اخیر همه قراین و شواهد از جنگ قریب الوقوع و حمله نظامی آمریکا به کشور عراق خبر می دادند، مراسم یادبود این روز در واقع به تظاهرات يك پارچه بر ضد جنگ و سیاست های تجاوزکارانه آمریکا و کشورهای عضو پیمان ناتو تبدیل شده بود.

از هفته ها قبل شمار زیادی از احزاب مختلف آلمان از حزب کمونیست آلمان گرفته تا دیگر نیروهای چپ، اتحادیه های کارگری، جوامع دموکراتیک و دفاع از حقوق بشر با انتشار فراخوان هایی مردم را برای شرکت گسترده در این مراسم دعوت کرده بودند. علاوه بر این هم چنین شرکت و حضور شمار زیادی از احزاب خارجی و پناهندگان سیاسی ساکن آلمان در این مراسم جلب توجه می کرد. از آن جمله می توان به شرکت فعال رفقای حزب توده ایران اشاره کرد.

اعضا و هواداران حزب توده ایران طبق روال سال های گذشته با شرکت خود در این تظاهرات و پخش اعلامیه حزب و حمل پلاکاردهای گوناگون سعی کردند که به سیاست های جنگ طلبانه آمریکا و ناتو در گوشه و کنار جهان و به ویژه در منطقه خاورمیانه و نزدیک اعتراض کنند.

مبارزه برای آب، مبارزه بی برای حقوق بشر

بسیاری از ما دسترسی به آب را امری بدیهی می پنداریم. تنها کاری که باید برای رفع تشنگی خود انجام دهیم باز کردن شیر آب و پر کردن لیوان از این مایع نگهدارنده زندگی است اما دسترسی به یک لیوان آب گوارا در بسیاری از مناطق جهان به این سادگی نیست.

بیش از هفتاد درصد از سطح کره خاکی از آب پوشیده شده است اما برای بسیاری آب شیرین و آشامیدنی به سرعت به کالایی کمیاب تبدیل می شود. از همه آب موجود در دنیا تنها یک درصد پاسخگوی نیازمندی مردم است. بقیه یا آب شور دریاهاست یا بشکل یخ پهنه در نواحی قطبی موجود است. ۱/۱ میلیارد انسان از مردم جهان از دسترسی به آب آشامیدنی شیرین محروم هستند. ۲ میلیون دیگر فاقد داشتن ابزار مناسب برای بهداشتی کردن وسایل سازی آب آشامیدنی مورد نیازشان هستند. پیامد عدم دسترسی به آب آشامیدنی سالم، سالانه به هلاک شدن بیش از ۵۰ میلیون انسان منجر می شود. هم اکنون نصف آب آشامیدنی موجود مورد مصرف قرار می گیرد. ما باید به توانیم حداقل ۷۰٪ از این موجودی را تا سال ۲۰۲۴ میلادی مورد بهره برداری قرار دهیم. کارشناسان از کمبود آب آشامیدنی که گریبان دو سوم از جمعیت جهان را تا ۲۰ سال دیگر در بر خواهد گرفت بیم دارند. حتی کشوری مانند ایالات متحده آمریکا برای ۳۰٪ از جمعیت خود با کمبود آب روبرو خواهد شد.

برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد در گزارشی به نام چشم انداز ۲۰۰۰ کره زمین به کنفرانس زمین که در سال ۲۰۰۰ برگزار شد کمبود آب آشامیدنی در آینده را بعد از افزایش دمای زمین دومین معضل بشری دانست. فرسودگی سرچشمه های آب، خشکسالی و سیل، رشد جمعیت بدون گستردگی تکافو کننده در منبع های آب، همراه با جنگها و آشوبهای سیاسی دست به دست هم داده است و توانایی بسیاری از انسان ها را برای دسترسی به آب آشامیدنی سالم دشوار کرده است. همچنین آسیب پیش آمدهای طبیعی زندگی اقتصادی محلی و ملی که فراتر از گرفتاری های بهداشتی است تنگناهای موجود را بیشتر می کند. خشکسالی های اخیر در کشورهای برزیل و موزامبیک رشد اقتصادی را در این مناطق متوقف و یا کند کرده اند. در کشور زیمبابوه تولید ناخالص داخلی پس از جاری شدن سیل در مقایسه با سال پیش از آن به نیم رسید. عامل های کمبود آب، نیاز به مرمت زیربنای منبع های آب با توجه به این واقعیت که ۷۹۵ شبکه های آب رسانی و مقامات محلی بویژه در کشورهای توسعه نیافته فقیر، فاقد بودجه لازم برای ساماندهی بهینه هستند. این فرایند شرایط مساعدی برای کسب میلیاردها دلار سود برای شرکت های چندملیتی فراهم کرده است. دیگر شرکت هایی که منبع های تولید آب رسانی به مردم را می خرند تنها به آن کشورهایی که در این زمینه فعالیت می کنند منحصر نیست بلکه اکنون شرکت های چندملیتی گوناگون از جمله انرون، بکتل و مانسانتو نیز در این چپاول شرکت دارند.

بر اساس سندی داخلی از شرکت مونسانتو گزارشی در نشریه ایندیندنت چاپ لندن منتشر گشته که این شرکت با استفاده از بحران آب در جهان طرحهایی برای بجیب زدن میلیاردها دلار تدارک دیده بود. در این سند گفته شده که ورود به بازار تولید آب آشامیدنی، نه تنها امکانهای گسترده اقتصادی برای کسب میلیاردها دلار سود ممکن و استفاده از چنین پروژه هایی برای القا این توهم که این شرکت در کار کمک به یافتن راهبردی برای معضل محیط زیست است بلکه چهره بی مثبت و پیگیر درامر حفاظت از محیط زیست برای آن به ارمغان خواهد آورد. شرکت مونسانتو از سوی فعالین در امور محیط زیست، بهداشت و دیگران به سبب تولید فرآورده های غذایی با فن آوری مهندسی

ژنتیک به شدت محکوم شده است. کشورهایایی که از بانک جهانی و صندوق بین المللی پول وام دریافت می کنند موظف هستند شرایط خصوصی سازی و پوشش هزینه کلی را تقبل کنند. پوشش هزینه کلی به این معناست که دولتهای وام گیرنده از این پس اجازه نخواهند داشت که از مالیات برای یارانه دادن به فراهم ساختن آب استفاده کنند.

از سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ پرداخت وام به دولتها به منظور یاری به توسعه و بهسازی دستگاههای آبرسانی و فاضل آب روالی عادی بود. شالوده چنین اندیشه یی بر این فرض استوار بود که این کار یکی از شرایط لازم را برای توسعه اقتصادی آن کشورها فراهم می کرد. در گذشته بهره برداری از آب در انحصار طبیعی دولتهای محلی بدون نگرانی از عوامل دیگر قدرت بود. اما امروز هم بانک جهانی و هم صندوق بین المللی پول، به آب نه به عنوان یک منبع طبیعی بلکه به منزله کالایی که می تواند مورد داد و ستد قرار گیرد می نگرند. بانک جهانی ادعا می کند که برای ممانعت از کمبود آب و برنامه ریزی در جهت توسعه آب رسانی پیاده کردن برخی الگوهای نوین ضروری هستند. آنها می گویند که بخش تولید آب قابل استفاده برای شهرها و بهداشتی کردن آن برای بهسازی روشهای پایدار مناسب دسترسی به آن باید اصلاح کردند. اصلاحات ضروری در بخش خدمات معمولاً به تغییرات بنیادی در چارچوب های قانونی، تنظیمی، و نهادی گفته می شوند. چنین اصلاحاتی اغلب با مشارکت بخش خصوصی انجام می پذیرند. بانک جهانی در سه زمینه که به اعتقاد آنها نیاز به تغییر دارند تأکید می ورزد: مدیریت ناتوان محلی، شاغل بودن اشتغال بیش از حد کارگران و قیمت های پایین مشارکت بخش خصوصی چندین شگرد متفاوت برای خصوصی سازی را دربر دارد. در کنار خرید یکجا مراجع آبرسانی محلی، شامل برنامه هایی نیز برای گرداندن این مراجع محلی بشکل بستن قرارداد اجاره با شرکت های خصوصی آب با انگیزه سودآوری است. شرکت های خصوصی می توانند با خرید یکجا سازمانهای آب رسانی محلی یا با امضا قراردادهای گوناگون، اداره و مدیریت سازمان آب عمومی را برای کسب سود به عهده بگیرند. این قراردادهای از سه تا سی سال اعتبار دارند (اغلب مدتهای طولانی تر برگزیده می شوند). اکنون شماری از وام ها شامل شرایط خصوصی سازی کامل یا بخشهایی از سازمانهای آب رسانی یا افزایش نرخ را طلب می کنند. صندوق بین المللی پول کشورهای آنگولا، نیکاراگوئه، سایوتومه و پرینسیپیه، و یمن را تحت فشار گذاشته که نرخ و افزایش هزینه آبرسانی به مردم را اصلاح نمایند. این نهاد همچنین کشورهای بنین، گینه بیسایو، نیکاراگوئه، نیجر، پاناما، رواندا، سنگال، تانزانیا و یمن از سوی این نهاد وادار به خصوصی سازی مراجع آبرسانی می شوند. تجربه آن کشورهایی که دولت هایشان تسلیم یا مجبور به پذیرفتن توصیه های صندوق بین المللی پول یا بانک جهانی شده اند و دولت هایی که سیاست های نولیبرالی را برگزیده اند هیچکدام امیدبخش نیست. پی آمد شگردهای خصوصی سازی برای جمعیت های محلی توأم با تحمل زیان و ضرر بوده در حالی که برای شرکت های فراملی امتیاز سودآوری داشته است. نزدیک به ۶۰ میلیارد دلار در بخش صنعت تولید آب قابل مصرف در کشورهای کم سرمایه گذاری توسعه شده است.

ادامه در صفحه ۷

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Nameh Mardom-NO 653
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

4 February 2003

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V.

790020580

10050000

Berliner Sparkasse بانک